



The University of Tehran Press

United States' Lawfare Against Iran from the Viewpoint of International Law

Seyed Hossein Sadat Meidani^{1✉} | Mohammadreza Mohammadi²

1. Corresponding Author; Assistant Prof. in International Law, School of International Relations Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. Email: h.sadatmeidani@sir.ac.ir
2. MA. in Diplomacy and International Organizations, School of International Relations Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. Email: mohammadi.mr7007@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Lawfare is a strategy of misusing law as a tool to achieve national and security interests which pursues the goals of an armed conflict without resorting to force. The lawfare actor misuses the existing gaps in international law to inflict the most damage to the targeted party, while there is no specific legal system to confront these actions. In lawfare, the rule of law is distorted. The complexities of lawfare have given the initiative to strong states that have appropriate legal infrastructures. In this way, the United States has been able to misuse this tool to put pressure on Iran and reach its hostile goals. The study of the US approach and practice towards the lawfare against Iran is the subject of this article. Recognizing the US practice in this regard shows that Iran has been the target of the most difficult lawfare that has been pursued through international institutions and also using domestic various strategies and initiatives.
Pages: 1825-1853	
Received: 2020/12/11	
Received in revised form: 2021/02/12	
Accepted: 2021/05/25	
Published online: 2023/12/22	
Keywords: <i>United States of America, Iran, financial sanctions, lawfare, rule of law</i>	
How To Cite	Sadat Meidani, Seyed Hossein; Mohammadi, Mohammadreza (2023). United States' Lawfare Against Iran from the Viewpoint of International Law. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (4), 1825-1853. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2021.329970.2879
DOI	10.22059/jplsq.2021.329970.2879
Publisher	The University of Tehran Press.





انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۳۲۳

دوره: ۵۳، شماره: ۴

زمستان ۱۴۰۲

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>

جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین الملل^۱

سید حسین سادات میدانی^۱ | محمدرضا محمدی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. رایانامه: h.sadatmeidani@sir.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

رایانامه: mohammadi.mr7007@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	جنگ حقوقی بیانگر راهبردی در استفاده ابزاری از حقوق برای رسیدن به منافع ملی و امنیتی است که اهداف یک مخاصمه مسلحانه را بدون توسل به زور پیگیری می‌کند.
صفحات: ۱۸۵۳-۱۸۲۵	کنشگر جنگ حقوقی، از خلأهای موجود حقوق بین‌الملل سوءاستفاده می‌کند تا بیشترین آسیب را به طرف مقابل وارد کند. این در حالی است که نظام حقوقی خاصی برای مواجهه در برابر این اقدام‌ها وجود ندارد. در جنگ حقوقی حاکمیت قانون مخدوش است. پیچیدگی‌های جنگ حقوقی موجب شده است که ابتکار عمل در اختیار دولت‌های قدرتمندی باشد که از زیرساخت‌های حقوقی مناسبی بهره‌مندند. ایالات متحده آمریکا توانسته است از این طریق بیشترین بهره را برای تحت فشار قرار دادن ایران داشته باشد و به دنبال اهداف خصمانه‌اش باشد. مطالعه رویکرد و رویه آمریکا نسبت به جنگ حقوقی در تقابل با ایران موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱	شناخت عملکرد آمریکا در این خصوص نشان می‌دهد دولت ایران هدف سخت‌ترین جنگ حقوقی بوده که از طریق نهادهای بین‌المللی و همچنین در سطح داخلی آمریکا با استفاده از راهبردها و ابتکارات متنوع پیگیری شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱	
کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، ایران، تحریم‌های مالی، جنگ حقوقی، حاکمیت قانون.	
استناد	سادات میدانی، سیدحسین؛ محمدی، محمدرضا (۱۴۰۲). جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۴)، ۱۸۵۳-۱۸۲۵.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2021.329970.2879
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. نویسندگان از آقای مهدی خلیلی طریقه به سبب کمک و ارائه مشورت در فرایند نگارش مقاله کمال قدردانی را دارند.

۱. مقدمه

در تکمیل تلاش‌های بین‌المللی برای پلید خواندن و کنار نهادن ابزار قهرآمیز نظامی سیاست خارجی کشورها یعنی جنگ، تهدید و توسل به زور در منشور ملل متحد غیرقانونی اعلام شد.^۱ البته این دستور هنجاری که حتی امروزه به قاعده عرفی بین‌المللی نیز تبدیل شده، موجب برچیده شدن کامل پدیده‌های جنگ، خشونت و تخاصم میان دولت‌ها نشده است؛ چه اینکه منشور ملل متحد در اعلام ممنوعیت توسل و تهدید به توسل به زور مطلق نبوده و همچنان امکان توسل به زور با شرایطی ممکن است.^۲ افزون‌بر آن، تاکنون این دستور عمدتاً بر گونه نظامی تفسیر و اعمال شده است و مسئله قانونی یا غیرقانونی بودن تهدید یا توسل به زور به شیوه‌های قهرآمیز دیگر (اقتصادی، سیاسی، عقیدتی، رسانه‌ای و ...) در حقوق بین‌الملل دقیقاً روشن نیست. در این زمینه به‌طور مثال دیدگاه‌ها در خصوص مشروعیت توسل به زور اقتصادی از طریق تحریم‌های اقتصادی گسترده و شدید، مورد اختلاف است. اهمیت موضوع اخیر در آن است که در برخی موارد، پیامدهای زیانبار این شیوه‌های غیرنظامی اگر بیشتر از توسل به زور نظامی نباشد، کمتر نیست، حال آنکه به دلیل عدم توصیف ذیل مفهوم درگیری مسلحانه و جنگ، نظام حقوقی مشخصی بر آنها اعمال نمی‌شود و این خلأ قانونی موجبات سوءاستفاده از این شیوه‌ها و گریز از پاسخگویی بین‌المللی طبق حقوق بین‌الملل در شرایط عادی را فراهم می‌آورد.

با توجه به ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های حاکم بر توسل به زور نظامی، دولت‌ها گاهی به شیوه‌هایی غیرنظامی متوسل می‌شوند تا سیاست‌ها و منافع ملی و امنیتی خود را از راه‌های غیرنظامی اما با پیامدهایی شبیه به اقدام‌های نظامی و خصمانه پیگیری کنند. «جنگ حقوقی»^۳ یکی از این شیوه‌هاست. در این شیوه‌ها، اگرچه این اقدام‌ها دقیقاً ذیل مقوله «مخاصمه مسلحانه»^۴ طبقه‌بندی نمی‌شوند، پیامدهای آنها بعضاً در حکم آثار درگیری مسلحانه است. توسل به این روش‌ها نه به‌طور مشخص ممنوعیت و محدودیت قانونی طبق حقوق بین‌الملل را دارند و نه همانند جنگ نسبت به آنها حساسیت سیاسی بین‌المللی وجود دارد. در این روش‌ها، دولت‌ها در پوشش حقوق حاکمیتی خود، بدون اینکه در مظان نقض فاحش حقوق بین‌الملل قرار گیرند، می‌توانند از آثار مسئولیت بار اعمال خود بگریزند. از طرف دیگر، این روش‌ها برخلاف جنگ و ابزار جنگی در اختیار همگان قرار ندارد و اغلب به صورت تبعیض‌آمیز

۱. در خصوص نوع و استثنای این ممنوعیت، ر.ک: سادات میدانی، ۱۳۸۲: ۵-۲. برای تفصیل ر.ک: Simma, et al, 2012: 200-235.

۲. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد.

3. Lawfare

4. Armed Conflict

مورد بهره‌برداری برخی دولت‌ها قرار می‌گیرد و در حقیقت به نوعی بازتاب واقعیت‌های نابرابر در روابط بین دولت‌ها هستند. حقوق بین‌الملل اگرچه برابری دولت‌ها را اصلی بنیادین می‌داند، نابرابری واقعی بین‌المللی است و این نابرابری‌ها به‌طور ویژه در اعمال و استیفای حقوق بسیار نمایان است.

دولت آمریکا نشان داده که عمدتاً دیدگاهی ابزارری و منفعت‌محور به حقوق بین‌الملل دارد^۱ و هیچ‌گاه آن را مانعی برای دستیابی به سیاست‌های خود نمی‌داند. بنابراین از جنگ حقوقی به‌عنوان ابزاری علیه دشمنان خود بهره می‌گیرد. آمریکا اجرای حقوق بین‌الملل را در قالب منافع ملی خود تعریف می‌کند و با فراهم ساختن شرایط سوءاستفاده از آن، از خلأهای موجود در این نظام حقوقی، اهداف خصمانه‌اش را پیگیری می‌کند. به‌طور کلی، سوءاستفاده از قانون در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل اصلی نانوشته در رویه و رویکرد آمریکا محسوب می‌شود.^۲ از آنجا که تا به امروز حقوق بین‌الملل مقرراتی را برای ممنوعیت و محدودیت جنگ حقوقی به‌صورت مشخص تدوین نکرده است، به‌نظر می‌رسد زمینه پیگیری سیاست‌های خصمانه از طریق سوءاستفاده از حقوق بین‌الملل فراهم بوده و از این طریق از یک‌سو برخی دولت‌ها هزینه‌های بین‌المللی رفتارهای خصمانه خود را می‌دهند و از سوی دیگر رفتار غیرمسئولانه و متخلفانه خود را طبق حقوق بین‌الملل به‌گونه‌ای موجه جلوه می‌دهند.^۳

به‌طور مشخص ایالات متحده از دهه ۱۹۹۰ به بعد جنگ حقوقی تمام‌عیاری را علیه ایران آغاز کرده است. در این زمینه آمریکا تلاش کرده است با بهره‌گیری از حقوق داخلی خود و همچنین مبانی و تأسیسات بین‌المللی بسیاری از اهداف خصمانه خود را که عادتاً می‌بایست از طریق توسل به زور و اقدام‌های خصمانه دنبال شود، از طریق جنگ حقوقی به‌دست آورد. جنگ حقوقی آمریکا علیه ایران اغلب از

1. See: Sands, Philippe, *Lawless World: America and the Making and Breaking of Global Rules*, Viking Adult, (2005).

۲. برایان تاماناها، پژوهشگر حوزه حاکمیت قانون به‌طور تفصیلی به این موضوع می‌پردازد، ر.ک:

Tamanaha, Brian Z., *Law as a Means to an End: Threat to the Rule of Law*, New York: Cambridge University Press, 2006; Tamanaha, Brian Z., "How an Instrumental View of Law Corrodes the Rule of Law", *DePaul Law Review*, Vol. 56, 2007.

۳. جایگاه حقوق بین‌الملل در سیاست خارجی آمریکا با استانداردی دوگانه همراه است. برای مثال برایان هوک، مشاور وزیر خارجه آمریکا در یادداشتی محرمانه با موضوع «متعادل‌سازی منافع و ارزش‌ها» به میزان تأکید بر حقوق بشر در سیاست خارجی پرداخت و متذکر شد آمریکا از حقوق بشر باید برای فشار بر کشورهای دشمن مانند چین، روسیه، کره شمالی و ایران استفاده کند و در قبال کشورهای هم‌پیمان مثل عربستان، مصر و فیلیپین از این موضوع چشم‌پوشی کند و به‌طور کلی با دولت‌های دوست متفاوت از دولت‌های دشمن رفتار شود؛ ر.ک:

Hook, Brian, *Balancing Interests and Values*, Note for the Secretary, 17 May 2017, <https://www.politico.com/f/?id=00000160-6c37-da3c-a371-ec3f13380001>

طریق سازمان‌های بین‌المللی، قوانین ایالتی و محلی، مراجع قانونگذاری و قضایی ملی و تحریم‌های اقتصادی دنبال می‌شود که در این نوشتار برخی موارد مهم تشریح خواهد شد.

به‌طور کلی این مقاله در دو بخش تنظیم شده است که در بخش اول به تبیین جنگ حقوقی و فلسفه توسل روزافزون به آن از سوی کنشگران پرداخته می‌شود. بخش دوم مقاله به مطالعه موردی جنگ حقوقی آمریکا علیه ایران اختصاص پیدا کرده است که راهبردهای این جنگ حقوقی را بررسی می‌کند. شایان ذکر است که تحقیق حاضر به دنبال شناخت سیاست جنگ حقوقی آمریکا علیه ایران است و اگرچه به بیان یک سیاست کلی برای مواجهه با جنگ حقوقی می‌پردازد، پرداختن تفصیلی به روش‌ها و راهکارهای مقابله با جنگ حقوقی می‌تواند موضوع نوشتار دیگری باشد.

۲. مبحث اول: کلیاتی بر جنگ حقوقی

جنگ حقوقی می‌تواند یکی از جایگزین‌های توسل به زور نظامی باشد که اگرچه از ماهیت نظامی برخوردار نیست و برعکس در کاربست آن وانمود می‌شود که صورتی قانونی دارد یا برای تضمین اجرای حقوق بین‌الملل است، در حقیقت استفاده‌کننده از آن با دستکاری در حقوق و تکالیف خود و دولت مقابل در پی آن است که پیامدهای این کارزار بر حیثیت، اقتصاد، نظام سیاسی، روابط خارجی و ... دولت و موجودیت هدف، آنچنان باشد که گویا علیه آن کشور اقدام نظامی شده است. حتی شاید بعضاً جنگ حقوقی از نظر ویرانگری و هزینه‌زایی برای دولت یا موجودیت هدف، آسیب و رنج بیشتری از جنگ سنتی داشته باشد، بدون اینکه بتوان منشأ دقیق این آسیب‌ها را تعیین کرد یا مسئولیت دولت عامل را براساس حقوق بین‌الملل مسئولیت دولت‌ها مورد استناد قرار داد. برعکس بسیاری از این آسیب‌ها به‌عنوان بازتاب کردار کنشگر مقابل وانمود می‌شود.

۲.۱. تبیین جنگ حقوقی

به استفاده از حقوق به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف عملیاتی و نظامی جنگ حقوقی گفته شده است (Dunlap, 2008: 146) و این پدیده طی دو دهه اخیر موضوع برخی نوشتارها و گفت‌وگوها^۱ بوده

۱. نقطه آغازین طرح امروزی بحث جنگ حقوقی را می‌توان در سخنرانی ژنرال چارلز دانلپ در سال ۲۰۰۱ دانست:

Dunlap, Charles J., "Law and Military Interventions: Preserving Humanitarian Values in 21th Century Conflicts", Humanitarian Challenges in Military Intervention Conference, 2001.

در سپتامبر ۲۰۱۰ نیز همایشی با حضور کارشناسان حقوق بین‌الملل در زمینه «مفهوم جنگ حقوقی» به میزبانی دانشگاه کیس

است. در واقع دولت‌ها یا موجودیت‌هایی که تمایل یا امکان توسل به زور را ندارند یا درصدد گریختن از پیامدهای سیاسی و حقوقی مخاصمات مسلحانه سنتی‌اند، با بهره‌گیری از جنگ حقوقی، اهداف خصمانه مورد انتظار در یک اقدام نظامی را دنبال می‌کنند. دولت‌هایی که از این‌گونه کارزار استفاده می‌کنند، با دستکاری قواعد و ارزش‌های بین‌المللی در پی اهداف خصمانه‌ای هستند که به‌طور سنتی از طریق درگیری‌های مسلحانه حاصل می‌شوند، مانند آسیب شدید به زیرساخت‌های اقتصادی، از مشروعیت انداختن نظام سیاسی کشور هدف، تغییر رژیم سیاسی و

با عنایت به دشواری توصیف این روش‌های خصمانه نوین ذیل تأسیسات و مفاهیم حقوقی سنتی مانند جنگ یا مخاصمه مسلحانه، در حقوق بین‌الملل برای چنین وضعیت‌هایی قواعد حقوقی خاصی پیش‌بینی نشده است و به این دلیل امکان اعمال اصول حقوق بین‌الملل عام یا قواعد حاکم بر درگیری‌های مسلحانه و گستره مربوطه نسبت به آنها از طریق قیاس یا استقرا نیز با ابهام مواجه است. در حقیقت، در پیگیری این روش‌ها، برخی دولت‌ها تلاش می‌کنند با حرکت در فضای نانوشته و خاکستری حقوق بین‌الملل، از یک‌سو با استناد به حقوق حاکمیتی و مبانی عمومی موجود در حقوق بین‌الملل، اقدام‌های خود را موجه جلوه دهند و از سوی دیگر، از الزامات سنتی ناظر بر توسل به زور و محدودیت‌های ابزار و روش‌های جنگی (حقوق بشردوستانه) یا استانداردهای رفتار انسانی (حقوق بشر) بگریزند. در جنگ حقوقی تلاش می‌شود با هدف قرار دادن یک دولت و تغییر در اصل و گستره حقوق و تکالیف آن، دولت‌ها و ملت‌های دیگر به اتخاذ یک رفتار یا سیاست خاص در قبال دولت هدف سوق داده شده و از این طریق اهداف خصمانه تأمین شود؛ دولت عامل با تمسک به حقوق به‌ظاهر قانونی خود به دنبال دگردیسی معنادار حقوق و حقایق مرتبط با دولت یا موجودیت هدف بوده و به دنبال پاسخگو کردن تبعیض‌آمیز دولت هدف در قالب تأسیسات و نهادهای حقوقی بین‌المللی است. بر این اساس، کنشگر جنگ حقوقی به‌طور مستقل یا از طریق تأسیسات و نهادهای بین‌المللی سعی در سلب برخی حقوق بین‌المللی قربانی جنگ حقوقی دارد یا خواستار افزایش برخی تعهدات به‌صورت نابرابر و استثنايي نسبت به آن است.

وسترن رزرو در کلیوند برگزار شد که نقش مؤثری در گسترش ادبیات جنگ حقوقی ایفا کرد، ر.ک:

Scharf, Michael P. and Pagano, Shannon, "Foreward: Lawfare!", Case Western Reserve Journal of International Law. 2010.

در زبان فارسی نیز مقاله‌ای جنگ حقوقی را از دیدگاه نظری مورد بحث قرار داده است؛ ر.ک: فضائی و کوثری، ۱۴۰۰: ۲۱۴-۱۹۳.

در حقیقت جنگ حقوقی دربرگیرنده به کارگیری هدفمند و خصمانه مجموعه‌ای از مبانی حقوقی و ترویج آنها از طریق رسانه‌ای، بین‌المللی، دیپلماتیک و اقتصادی است و دولت عامل از این طریق بدون درگیری مسلحانه، پیامدهایی مشابه آثار جنگ را دنبال می‌کند. در این نگاه فرقی نمی‌کند که زیرساخت‌های اقتصادی یک کشور هدف حمله نظامی کلاسیک باشد یا همان زیرساخت‌ها از طریق استقرار یک نظام حقوقی گسترده تحریم یکجانبه و نهادینه‌سازی شده با تضمین اجرای آن نظام از طریق کمپین‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک بین‌المللی، هدف قرار گیرند و کارایی لازم را از دست دهند تا در اثر اجرای این کارزار توان اقتصادی مخاطب جنگ حقوقی نابود شود.

۲.۲. مزایای جنگ حقوقی

بزرگ‌ترین مزیت جنگ حقوقی، صورت و جلوه قانونی و مشروع آن است. دولت‌ها برای توسل به یک درگیری مسلحانه، باید ادله حقوقی بین‌المللی عرضه کنند و مقبولیت جهانی به دست آورند، به‌طور مثال باید در مقام دفاع از خود، وجود یک حمله مسلحانه را ثابت کنند. حال آنکه در جنگ حقوقی، حقوق بین‌الملل نه تنها زمینه حقوقی توجیه جنگ حقوقی را فراهم می‌آورد، بلکه خود نیز به ابزاری برای ضربه زدن به موجودیت هدف تبدیل می‌شود. گاهی نیز جنگ حقوقی مقدمه‌ای برای درگیری نظامی است و نقش زمینه‌ساز برای مشروع جلوه دادن جنگ بعدی را فراهم می‌آورد.

یکی دیگر از مزایای جنگ حقوقی در مقایسه با درگیری مسلحانه، مهیا بودن شرایط گریز دولت عامل از مسئولیت‌های ناشی از این نوع جنگ است؛ چه اینکه به‌روشنی نمی‌توان پیامدهای یک اقدام را به دولت عامل منتسب کرد. در حقیقت در این موارد رابطه سببیت بین پیامدهای زیانبار و دولت یا دولت‌های عامل بسیار پیچیده و چندلایه است و به‌طور معمول عوامل مؤثر مستقیم و غیرمستقیم گوناگونی در این پیامدها درگیر می‌شوند که خود نوعی پوشش در قبال مسئولیت‌های ناشی از جنگ حقوقی را ایجاد می‌کند. در نهایت اینکه در جنگ حقوقی تقابل در میدان جنگ نیست و این برای دولت اعمال‌کننده جنگ حقوقی مزایایی خواهد داشت، زیرا نخست اینکه، توسل به آن به‌طور معمول به صورت یکطرفه انجام می‌گیرد و دولت و موجودیت هدف به دلیل در اختیار نداشتن ابزار مشابه، اغلب امکان دفاع از خود را ندارد یا اگر داشته باشد، به راحتی نمی‌تواند واکنش خود را توجیه کند و دفاع نیازمند گذشت زمان زیادی است. دوم آنکه دولت عامل به جامعه بین‌المللی می‌تواند این‌گونه وانمود کند که به عملی حقوقی و مشروع دست یازیده است و این دولت حقوق را بر سلاح‌های نظامی و کشنده ترجیح داده و از این طریق خود را بیشتر مسئول نشان دهد.

جنگ حقوقی، ابزاری ممتاز است، بدین معنی که در اختیار همگان قرار ندارد و تنها دولت‌های خاصی می‌توانند از آن بهره‌گیرند. برخلاف ادوات نظامی که می‌توان آنها را از بازار خریداری و بنیة نظامی را در چند سال مهیا یا بازسازی کرد، جنگ حقوقی نیازمند داشتن برنامه و سیاست‌های دقیق است. بهره‌گیری از این جنگ نیازمند داشته‌هایی همانند عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، استخدام اتباع در سازمان و نهادهای بین‌المللی و بر عهده گرفتن ریاست یا مدیریت این نهادها، داشتن زیرساخت‌های اداری و انسانی در دستگاه‌های دولتی (Goldenziel, 2020: 182-185)، برخورداری از دارالوکاله‌های حقوقی تراز اول^۲، ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد با حوزه فعالیت جهانی و اندیشکده‌ها و ... است.^۳ به این دلیل است که بیشتر دولت‌های قدرتمند از جنگ حقوقی می‌توانند بهره‌مند باشند. شاید به این دلیل است که برخی صاحب‌نظران ادعا می‌کنند که ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه بیش از سایرین درگیر جنگ حقوقی اند (Goldenziel, 2020: 101). طرفداران آمریکایی به کارگیری جنگ حقوقی بر این باورند که جنگ حقوقی باید هم استفاده و هم سوءاستفاده (کاربرد مثبت و منفی) از حقوق برای دستیابی به اهداف خصمانه را در برگیرد و استدلال می‌کنند از آنجا که آمریکا این رویکرد را در قبال دشمنان خود استفاده می‌کند، باید وجه مثبت استفاده از جنگ حقوقی در تعریف گنجانده شود و سوءاستفاده به جایی اختصاص پیدا کند که دشمنان آمریکا از آن در برابر این کشور استفاده می‌کنند (Scharf & Andersen, 2010: 17). اما روشن است که بین کار حقوقی و جنگ حقوقی تفاوت وجود دارد.

۳. مبحث دوم: جنگ حقوقی ایالات متحده آمریکا علیه ایران

به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد اگر روش‌هایی برای دستیابی به اهداف نظامی سنتی با استفاده از حقوق وجود داشته باشد، آمریکا به درگیری سخت نظامی متوسل نمی‌شود. البته آمریکا هیچ‌گاه از گزینه نظامی،

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

Novosad, Paul and Werker, Eric, "Who Runs the International System? Nationality and Leadership in the UN Secretariat", The Review of International Organizations, 2019.

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

<https://www.vault.com/best-companies-to-work-for/law/top-100-law-firms-rankings>
<https://www.investopedia.com/articles/personal-finance/010715/worlds-top-10-law-firms.asp>

۲. در خصوص نقش و تعاملات سازمان‌های غیردولتی با دولت‌ها، ر.ک:

Stroup, Sarah S., "NGOs' interactions with states", In: Davies, Thomas, Routledge Handbook of NGOs and International Relations, Routledge, 2019, pp. 32-45.

در خصوص نگرش انتقادی به عملکرد سازمان‌های غیردولتی و وابستگی‌های آنها ر.ک: Tortajada, 2016: 266-274.

برای مطالعه تأثیرات اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی و به‌طور خاص سیاست خارجی آمریکا، ر.ک: Wiarda, 2015: 517-525.

صرف نظر نکرده است و در مواقع مناسب با در نظر گرفتن سود و زیان، از آن استفاده می‌کند و جمله معروف «همه گزینه‌ها روی میز است» گویای این سیاست است. امنیت ملی توجیه و مجوزی برای رویکرد ایالات متحده در فشار علیه دیگران با توسل به جنگ حقوقی است. در این خصوص کشوری چون ایران در عرصه‌های مختلف آماج فشارهای حقوقی آمریکا بوده است. در این بخش از مقاله، شیوه‌های مختلف به‌کارگیری جنگ حقوقی توسط آمریکا علیه ایران بررسی می‌شود.

۱.۳. سیاست تقابل آمریکا علیه ایران از طریق جنگ حقوقی

گزینه‌های کلیدی ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا علیه یک دولت مستقل که سیاست‌های آن همسو با سیاست آمریکا نیست^۱ به چند نوع تقسیم می‌شود: ۱. گفت‌وگو (بیانیه و مذاکره)، ۲. تطمیع (مشوق‌ها)، ۳. تحریم (محدودیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک)، ۴. خرابکاری و ۵. اقدام نظامی (Kittrie, 2010: 403). از آنجا که آمریکا هیچ‌گاه به دنبال گفت‌وگویی دوجانبه مبتنی بر برابری حاکمیت‌ها، به دور از زیاده‌خواهی و پرهیز از تهدید نبوده و مذاکرات را فرصتی برای غلبه بر ایران تلقی می‌کند، گزینه اول را به‌طور معمول به‌صورت تبلیغاتی استفاده کرده است. از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد اقدام نظامی علیه ایران را گزینه‌ای مشکل‌ساز، بی‌نتیجه و پرهزینه (نظامی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی) می‌داند. این دولت با همراهی متحدانش، تلاش‌های خود را علیه برنامه هسته‌ای ایران بر تحریم و خرابکاری مخفی بنا نهاد که براساس شواهد موجود نمونه این خرابکاری‌ها، ویروس استاکس‌نت بود. دولت اوباما به این نتیجه رسیده بود که ترکیبی از تحریم و خرابکاری توانسته است سرعت برنامه هسته‌ای ایران را کاهش دهد. به نظر آنها این اقدام‌ها، توانسته بسیاری از منافع اقدام نظامی، بدون هزینه‌های آن را در بر داشته باشد (Ignatius, 2011). تحریم‌ها نوعی جنگ حقوقی‌اند، همان‌طور که چارلز دانلپ اذعان می‌کند و جنگ حقوقی را که تحریم جزئی از آن است، سلاحی آمریکایی می‌نامد (Dunlap, 2010: 123).

اعمال تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران که از طریق قوانین داخلی و با اعمال نفوذ در شورای امنیت و اتحادیه اروپا صورت گرفت و در بسیاری از موارد خاص و خلاقانه بود، جنگ حقوقی محسوب می‌شوند. این تحریم‌ها از حقوق به‌عنوان جایگزینی برای ابزارهای نظامی سنتی برای پیشبرد یک هدف عملیاتی استفاده کرد تا بدون حمله نظامی آثار موردنظر را دنبال کند.^۱ به‌زعم آمریکا، تحریم‌های ناشی از جنگ حقوقی آثاری به‌دنبال دارند که از جمله آنها این موارد است:

۱. پیگیری اهداف جنگ بدون ظواهر آن، در کلام ریچارد نفیو، از معمارهای تحریم آمریکا علیه ایران: «هدف از تحریم‌ها ایجاد سختی است یا به‌عبارت بهتر ایجاد درد و ناکامی؛ به‌نوعی که کشور هدف تحریم رفتارش را تغییر دهد»، ر.ک: Richard Nephew, *The Art of Sanctions: A View from the Field*, Columbia University Press, 2018, p. 9.

۱. ناگزیرسازی دولت هدف برای توقف اقدام و رفتار غیرقانونی ادعایی؛ اگر هزینه‌های رفتار طرف مقابل به اندازه کافی افزایش یابد، آن کنشگر مجبور خواهد بود از عمل خود دست بکشد؛ ۲. اگر تحریم‌ها از نظر مادی، دستیابی و تأمین مالی مورد نیاز کنشگر هدف را کاهش دهد، آن را از مشارکت و ادامه انجام رفتار و اقدام غیرقانونی محروم خواهد کرد؛ ۳. مشروعیت‌سازی و باز کردن راه برای تحریم‌های بیشتر و همراه کردن سایر کنشگران (Kittrie, 2007a: 356-361).

استورات لوی معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی بدون تصریح به جنگ حقوقی، اعلام می‌کند که دولت او با ما با تحریم‌های خود علیه ایران اهدافی را دنبال می‌کرده که در وهله اول ناگزیر ساختن ایران برای انتخاب بین ادغام در جامعه بین‌المللی یا سختی‌های انزوای بیشتر بوده است. با انزوای شدید مالی و تجاری و همچنین برجسته ساختن آسیب و کاستی‌ها در ایران به‌عنوان اهرم فشار، می‌توان محاسبات ایران را تغییر داد. در مرحله بعد دنبال کردن برنامه‌های هسته‌ای و نظامی از سوی ایران دشوار می‌شود.^۱ این اهداف شاهدهی بر جنگ حقوقی‌اند.

به نظر آمریکا تحریم‌های شدید موجب وادار کردن لیبی به دست کشیدن از تروریسم ادعایی و تحت بازرسی قرار گرفتن برنامه تسلیحات نامتعارف و کشتار جمعی این کشور شد (Hufbauer, 2007: 12). در ازای برداشته شدن تحریم‌های اعمال شده توسط سازمان ملل متحد و آمریکا، دولت لیبی حمایت خود از اعمالی را که ادعا می‌شد تروریستی است، متوقف کرد، ۲/۷ میلیارد دلار به خانواده قربانیان بمب‌گذاری پرواز ۱۰۳ پان آمریکا پرداخت و به تیمی از کارشناسان دولت انگلیس و آمریکا اجازه ورود به لیبی داد و زیرساخت‌های نظامی را از بین برد (Kittrie, 2007a: 406-414).

آمریکا معتقد بود تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران به اندازه کافی قوی نبوده است و آن را با تحریم‌های این نهاد نسبت به سایر دولت‌ها مقایسه می‌کرد و مدعی بود تهدید آنها نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی کمتر از ایران بوده، درحالی که تحریم‌های سخت‌تری را متحمل شده‌اند (Kittrie, 2007B: 547). ایالات متحده با این استدلال که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به اندازه کافی مؤثر نیست و اقدام سخت نظامی از سوی آمریکا با موانعی مواجه است، به روش‌های حقوقی پیچیده و رای شورای امنیت، برای فشار بر ایران متوسل می‌شود تا ایران را به‌زعم خود مطیع حقوق و قواعد بین‌المللی کند و غنی‌سازی و سایر فعالیت‌هایی را که برای آمریکا حساسیت دارد، متوقف سازد. مجموعه اقدام‌های حقوقی آمریکا علیه ایران را می‌توان در قالب جنگ حقوقی تحلیل کرد.

1. U.S. Department of the Treasury, Under Secretary Levey Remarks at the Center for Strategic and International Studies, 20 September 2010. <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg862.aspx>

۲.۳. راهبردهای جنگ حقوقی آمریکا علیه ایران

آمریکا در اعمال جنگ حقوقی علیه ایران از روش‌های متنوعی استفاده کرده است که به شکل روزآمدی شاهد نوآوری در آنها هستیم که به مهم‌ترین آنها در این بخش اشاره می‌شود.

۱.۲.۳. جنگ حقوقی در نهادهای بین‌المللی

آمریکا اهداف خود علیه ایران را از طریق مجموعه‌ای از امکانات موجود پیگیری کرده است. قدرت نفوذ این دولت در مجامع بین‌المللی توانسته است بسیاری از اهداف خصمانه ملی خود را جهانی کرده و مواضع این دولت را به مواضع جامعه بین‌المللی تبدیل کند. نمونه بارز این رویکرد را می‌توان در برنامه هسته‌ای ایران نظاره‌گر بود. از سال ۲۰۰۳ آمریکا به دنبال فشارهای چندجانبه علیه ایران بود. واشنگتن تلاش کرد تا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پرونده هسته‌ای ایران را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت به شورای امنیت ارجاع دهد و ذیل فصل هفتم محدودیت‌هایی برای برنامه هسته‌ای ایران ایجاد کند (Leverett & Leverett, 2014: 11). در این زمینه بود که آمریکا در سال ۲۰۰۳ گزارش البرادعی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مبنی بر نبود شواهدی را که فعالیت‌های هسته‌ای ایران مرتبط با تولید بمب هسته‌ای باشد، مورد انتقاد قرار داد، چون رویکرد سخت‌تری را در نظر نگرفته بود. همچنین جرج بوش در مارس ۲۰۰۴ در دیدار با البرادعی به شکل تلویحی تهدید کرد که در مورد ایران راه‌حل دیپلماتیک تنها راه‌حل نیست و راه‌حل اسرائیلی‌ها گزینه نظامی است. از سال ۲۰۰۵ تا اوایل ۲۰۰۶ تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا در موضوع ایران به مرحله‌ای رسید که در موضعی افراطی اعلام می‌شد که حتی یک سانتریفیوژ هم نباید در ایران فعال باشد. بالاخره شورای حکام آژانس در ۴ فوریه ۲۰۰۶ تصمیم گرفت پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد.^۱ آمریکا توانست آژانس را به غیرعادی جلوه دادن فعالیت‌های هسته‌ای ایران سوق دهد تا یک تهدید و بحران را تصویرسازی کند و پس از آن تمام تلاش خود را بر تحریم‌های بین‌المللی شدید متمرکز کرد.^۲ بر این اساس بود که آمریکا چندین قطعنامه شورای امنیت را که حاوی تحریم‌های بین‌المللی بود، به تصویب رساند. این اقدام‌ها که در قالب سازمان‌های بین‌المللی که تجمعی از دولت‌ها هستند، صورت گرفت و مقدمه‌ای برای تحریم‌های ثانویه شد.

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: جویتر، ۱۳۹۶: ۴۸-۴۲؛ زمانی و سادات میدانی، ۱۳۸۵؛ سادات میدانی، ۱۳۸۵.

۲. برای مطالعه تفصیلی، ر.ک: سادات میدانی، ۱۳۹۵؛ همچنین البرادعی در فصل دهم کتاب خود در خصوص پرونده‌های هسته‌ای دولت‌های مختلف، به استانداردهای دوگانه شورای امنیت و بالاخص آمریکا اشاره می‌کند که از ابتدا سعی کرد پرونده‌های ایران را وارد مدار شورای امنیت کند. ر.ک: ElBaradei, 2011: 214-241.

۲.۲.۳. جنگ حقوقی مالی - اقتصادی

۲.۲.۳.۱. اقدام‌ها از طریق شورای امنیت و گروه ویژه اقدام مالی

آمریکا از طریق قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران اهداف مالی مهمی را در همکاری با شرکای خود به دست آورد که برخی از مفاد آنها از این قرار بودند: ۱. درخواست حقوقی از دولت‌های عضو برای انسداد دارایی و مسدودسازی تجارت با اشخاص یا نهادهای مشخص شده مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران و همچنین اشخاص یا نهادهایی که متعلق یا تحت کنترل آنها هستند یا از جانب یا هدایت آنها اقدام می‌کنند (S/RES/1737: para. 12)؛ ۲. درخواست حقوقی از کشورهای عضو برای ممنوعیت انتقال منابع و دیگر فعالیت‌های مالی مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران (S/RES/1737: para. 6)؛ ۳. درخواست حقوقی از تمام دولت‌ها که از اشخاص و شرکت‌های تحت صلاحیت خود بخواهند که خودداری لازم را در تجارت با نهادهای ثبت شده یا تحت صلاحیت ایران هستند و افراد یا نهادهایی را که از طرف یا تحت هدایت آنها فعال‌اند، داشته باشند، در صورتی که اطلاعاتی که زمینه معقولی را فراهم کند که علم پیدا کنند، چنین اموری به فعالیت اشاعه‌ای حساس هسته‌ای یا توسعه سیستم‌های ارسال سلاح هسته‌ای مرتبط است (S/RES/1929: para. 22)؛ ۴. درخواست غیرالزام‌آور از دولت‌های عضو برای اعمال احتیاط بر فعالیت‌های نهادهای مالی در قلمرو خود با تمام بانک‌های مستقر در ایران (S/RES/1803: para. 10)؛ ۵. اشاره مقدماتی غیرالزام‌آور به ارتباط بالقوه بین درآمدهای ناشی از بخش انرژی ایران و بودجه فعالیت‌های اشاعه‌ای حساس هسته‌ای (S/RES/1929: preamble)؛ ۶. در قطعنامه ۱۹۲۹ به طور غیرالزامی از دولت‌های عضو درخواست می‌شود که اقدام‌های متنوعی را برای ممنوعیت یا جلوگیری در دستور کار قرار دهند، اگر آنها اطلاعاتی داشته باشند که با دلایل منطقی موجب علم شود که چنین فعالیت‌هایی می‌تواند به فعالیت‌های اشاعه‌ای هسته‌ای یا توسعه سیستم پرتاب سلاح‌های هسته‌ای کمک کند. این اقدام‌ها شامل ۱. در صورت احراز چنین اطلاعاتی، از تدارک خدمات مالی یا دارایی یا دیگر منابع جلوگیری شود (S/RES/1929: para. 21)؛ ۲. ممنوعیت افتتاح دفاتر جدید بانک‌های ایرانی یا دیگر فعالیت‌های بانک‌های ایرانی از جمله ایجاد و حفظ روابط کارگزاری در قلمرو دولت‌ها با فرض وجود چنین اطلاعاتی (S/RES/1929: para. 23)؛ ۳. ممنوعیت نهادهای مالی در صلاحیت آنها از بازگشایی دفاتر یا شرکت‌های تابعه یا حساب‌های بانکی در ایران در صورت داشتن اطلاعات مذکور (S/RES/1929: para. 24). این قطعنامه به طور کلی ممنوعیت ایجاد نمی‌کند و فقط تجویز خاص می‌دهد تا دولت‌ها براساس ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و حقوقی سعی در اجرا داشته باشند، اما در عمل دولت‌ها، ممنوعیت‌ها را کلی اجرا کردند.^۱

۱. برای مطالعه در خصوص نوع تجویزهای شورای امنیت در قطعنامه‌های تحریمی، ر.ک: کرمزاده و عابدینی، ۱۳۹۸.

گروه ویژه اقدام مالی نیز از نهادهایی است که آمریکا نفوذ زیادی در آن دارد و با استفاده از سازوکارهای حقوقی به دنبال فشار مالی بر ایران است. در اکتبر ۲۰۰۷ این نهاد در بیانیه عمومی، نگرانی خود را برای نبود سازوکاری جامع در خصوص مبارزه با پول شویی و تأمین مالی تروریسم ایران اعلام کرد. همچنین از اعضا خواست به نهادهای مالی خود توصیه کنند که خطر ناشی از نواقص مذکور را با دقت در نظر داشته باشند (FATF Statement on Iran, 11 October 2007). این نهاد در بیانیه اکتبر ۲۰۰۸ اعلام کرد عدم تلاش ایران برای مقابله با خطر تأمین مالی تروریسم همچنان تهدیدی جدی برای سیستم مالی بین‌المللی است و اقدام فوری برای رفع این آسیب‌پذیری ضروری است و از اعضا خواست که اقدام‌های پیشگیرانه برای مصون ماندن بخش‌های مالی خود از این خطر را تقویت کنند (FATF Statement, 16 October 2008). این روند همچنان ادامه داشته است؛ در فوریه ۲۰۱۵ گروه ویژه اقدام مالی در ادامه نارضایتی خود از سیستم مالی ایران، به اعضا اخطار تبادل مالی با ایران را اعلام کرد و از ایران خواست در مقابل خطر تأمین مالی تروریسم به تهدیدهای ناشی از این رویکرد که به تمامیت سیستم مالی ضربه می‌زند، توجه کند. این نهاد با تأکید از اعضا خواست که به نهادهای مالی تحت صلاحیت خود از جمله شرکت‌ها، توصیه و اخطار ویژه برای احتیاط در تجارت و تبادلات مالی با ایران را داشته باشند. همچنین اقدام‌های متقابل مؤثر برای حفاظت از بخش‌های مالی خود از پول شویی و تأمین مالی تروریسم نشأت گرفته از ایران را درخواست کرد (FATF Public Statement, 27 February 2015). این نوع فشارها کماکان از سوی این نهاد بر ایران ادامه داشته که از نمونه‌های اخیر آن بیانیه ۲۱ فوریه ۲۰۱۹ است که تعلیق اقدام‌های متقابل که نتیجه همکاری‌های بیشتر ایران با این نهاد بود، برداشته شد (FATF High-Risk Jurisdictions Subject to a Call for Action, 21 February 2019).

گروه ویژه همچنین نقش مهمی را در ترویج اجرای مؤثر اقدامات ویژه مالی مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران ایفا کرد. برای مثال، در ژوئن ۲۰۰۷، سپتامبر ۲۰۰۷ و اکتبر ۲۰۰۷ در مورد اجرای این اقدام‌ها دستورالعمل‌هایی را ارائه کرد (Kittrie, 2016: 134). این اقدام در قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت به رسمیت شناخته شد و به‌طور صریح از راهنمایی‌های این نهاد برای اجرای تعهدات دولت‌ها وفق شورای امنیت استقبال شد (S/RES/1803: preamble). آمریکا متعاقب زمینه‌سازی در گروه ویژه اقدام مالی و شورای امنیت علیه ایران، امکان چرخه مالی دلار (U-turn) را تحریم کرد تا حلقه فشار بر ایران تکمیل شود.^۱ گروه ویژه اقدام مالی در ژوئن ۲۰۱۳ به انتشار سندی حاوی

1. U.S. Department of the Treasury, "Treasury Revokes Iran's U-Turn License", 6 November 2008, <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/hp1257.aspx>

دستورالعمل‌های مربوط به تمامی مفاد مالی قطعنامه‌های شورای امنیت در مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی بود، پرداخت (FATF Guidance, June 2013). بر این اساس گروه ویژه اقدام مالی با توجه به جایگاهش در سیستم مالی بین‌المللی، جنگ حقوقی خود را مبتنی بر اعمال نفوذ آمریکا در این نهاد، اعمال می‌کند.

۲.۲.۲.۳. تحریم‌های ایالتی و محلی

طبق گزارشی در سال ۲۰۰۴ صندوق‌های بازنشستگی ایالتی آمریکا حدود ۲۰۰ میلیارد دلار تبادل مالی و سرمایه‌گذاری با آن دسته از شرکت‌های خارجی داشتند که در حال تجارت با کشورهایی بودند که به نظر آمریکا با اتهام‌هایی از جمله موضوعات مرتبط با تروریسم مواجه‌اند؛ مانند سودان، لیبی، کره شمالی، سوریه و ایران.^۱ منع و محرومیت چنین شرکت‌هایی از سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بازنشستگی، به نظر طرفداران این اقدام، روشی است که می‌تواند سبب انصراف این شرکت‌ها از تبادلات مالی و اقتصادی با کشورهای هدف شود. در همین زمینه ۲۷ ایالت و ناحیه کلمبیا (واشنگتن دی سی) رابطه صندوق‌های بازنشستگی خود با شرکت‌های در تعامل با سودان و همچنین حداقل ۱۹ ایالت و ناحیه کلمبیا رابطه خود را با شرکت‌هایی که در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کرده بودند، قطع کردند (Bechky, 2010: 1). برای تحریم و منع سرمایه‌گذاری علیه شرکت‌های فعال در سودان از سوی ایالت‌ها، کنگره به تصویب و جرج بوش به امضای قانون ۲۰۰۷ پاسخگویی و منع سرمایه‌گذاری سودان پرداختند.^۲ همین وضعیت در مورد ایران اعمال شد و قانون تحریم‌های جامع ایران، پاسخگویی و منع سرمایه‌گذاری (سیسادا) به تصویب رسید. این قانون در بخش مربوط به تحریم‌های ایالتی حق دولت فدرال در لغو تحریم‌های ایالتی را ملغی می‌کند (CISADA, § 202(f)). به‌طور کلی در خصوص دولت ایران، ایالت‌های آمریکا چهار نوع جنگ حقوقی را در دستور کار داشته‌اند: ۱. منع سرمایه‌گذاری: ممانعت از سرمایه‌گذاری نهادهای مالی ایالتی در شرکت‌هایی که با بخش نظامی و انرژی ایران در تعامل باشند؛ ۲. منع قرارداد: ممنوعیت انعقاد قرارداد نهادهای ایالتی با بخش نظامی و انرژی ایران که حداقل ۱۴ ایالت در این رابطه علیه ایران اقدام کرده‌اند؛ ۳. روابط بیمه‌ای: ممانعت شرکت‌های بیمه ایالتی از همکاری با شرکت‌هایی که

1. Center for Security Policy, "DivestTerror.org launched with stunning report on public pension fund investments in terrorist-sponsoring nations", 12 August 2004. <https://www.centerforsecuritypolicy.org/2004/08/12/divestterror-org-launched-with-stunning-report-on-public-pension-fund-investments-in-terrorist-sponsoring-nations-2/>

2. Sudan Accountability and Divestment Act of 2007.

با بخش نظامی و انرژی ایران در تعامل باشند؛^۴ روابط بانکی؛ ممانعت بانک‌ها و نهادهای مالی ایالتی از افتتاح حساب‌های کارگزاری برای شرکت‌هایی که با بخش نظامی و انرژی ایران در تعامل‌اند (سادات میدانی و خلیلی طریقه، ۱۳۹۷: ۷۸).

یکی از ایالت‌های فعال در جنگ حقوقی با ایران، ایالت کالیفرنیاست که با تصویب قانون ۲۰۰۷ به منع سرمایه‌گذاری نهادهای ایالتی در شرکت‌هایی که در ایران فعال یا در زمینه‌های نظامی، هسته‌ای و انرژی با ایران همکاری دارند، می‌پردازد.^۱ این ایالت در سال ۲۰۱۰ قانون جدیدی وضع کرد که بر مبنای آن، نهادهای ایالتی از سرمایه‌گذاری بیشتر از یک میلیون دلار در شرکت‌هایی که در بخش انرژی ایران بیش از ۲۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند، منع شدند.^۲ در سپتامبر ۲۰۱۲ نیز این ایالت قانونی را تصویب کرد که براساس آن شرکت‌های بیمه این ایالت از همکاری با شرکت‌هایی که با بخش انرژی و نظامی ایران در ارتباط باشند، منع شوند.^۳ برای نمونه، جنگ حقوقی ایالتی در سال ۲۰۰۹ نسبت به شرکت زیمنس به دلیل ارتباط با ایران رخ داد.^۴ به‌طور کلی براساس آمارهای مؤسسه واتسون و همچنین پروژه تحریم‌های ایالتی ایران می‌توان مدعی شد بیش از ۳۰ ایالت در آمریکا علیه ایران اقدام تحریمی داشته‌اند.^۵ نکته شایان توجه آنکه جنگ حقوقی آمریکا در سطح ایالتی و محلی موجب پیچیدگی‌هایی است، چراکه هر ایالت ممکن است رفتاری خاص و پیش‌بینی‌ناپذیر را به نمایش بگذارد.

۳.۲.۳. جنگ حقوقی در عرصه انرژی ایران

ایران در سالیان گذشته در تأمین بنزین و سوخت‌های دیزلی به خودکفایی نرسیده و مجبور بود این مشکل را با واردات حل کند؛ به‌شکلی که در سال ۲۰۰۹، چهل درصد بنزین مصرفی خود را با واردات تأمین می‌کرد (Sanger, 2009). ایران تقریباً همه این بنزین را از پنج شرکت خارجی خریداری می‌کرد که توقف همکاری با هر کدام، مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد (Kittrie, 2008). از سال ۲۰۰۸ کارشناسان حقوقی عدم اشاعه و اعضای کنگره شروع به یافتن راه‌هایی کردند تا چگونگی استفاده از حقوق به‌عنوان

1. California Public Employee Retirement System, Assembly Bill: 221, Chapter 671, 14 October 2007.

2. California Public Contract, Assembly Bill No: 1650, Chapter 573, 30 September 2010.

3. California Insurance, Assembly Bill No: 2160, Chapter 479, 23 September 2012.

۴. عده‌ای در لس‌آنجلس شرکت زیمنس را که وسایل کنترل و نظارت ارتباطات به ایران فروخته بود، تحت فشار قرار دادند و با اقدام‌های زیمنس برای عرضه وسایل تقلیه ریلی به اداره حمل‌ونقل لس‌آنجلس مخالفت کردند. در اثر این فشارها، در ژانویه ۲۰۱۰ زیمنس اعلام کرد که از تجارت جدید با ایران صرف‌نظر می‌کند. ر.ک: Kittrie, 2010: 408

<https://watson.brown.edu/research/projects/iransanctions>

۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

<https://iranstatesanctions.org/>

وسيله‌ای برای فشار بر این شرکت‌ها را که با ایران در حال تجارت هستند، به‌دست آورند. در این خصوص اُرد کیتتری به این نتیجه رسید که شرکت صنایع رلاینس از بانک صادرات-واردات آمریکا تسهیلاتی به مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار دریافت کرده است. اعضای کنگره از این بانک خواستند تسهیلات مالیاتی خود را نسبت به این شرکت قطع کند. با فشارها این شرکت مجبور شد تمامی صادرات بنزین خود به ایران را متوقف و به شرکای تجاری خودش نیز این قطع رابطه را اصرار کند (Hirsh, 2009).

در پیگیری این سیاست کنگره و دولت همسو بوده‌اند.^۱ در اکتبر ۲۰۰۹ پس از تصویب دو مجلس کنگره و امضای اوباما، طرح ممنوعیت فروش شرکت‌های خارجی به ذخایر راهبردی دولت آمریکا، در صورتی که به‌طور مؤثر در فراهم کردن بنزین پالایش شده به ایران مشارکت داشته باشند، به قانون تبدیل شد.^۲ سپس در ۱ ژوئیه ۲۰۱۰ اوباما سیسادا را اجرایی کرد که به رئیس‌جمهور این اختیار را می‌دهد که تحریم‌هایی علیه هر شرکت خارجی را که تجارت با ایران در بخش انرژی از جمله تأمین بنزین داشته باشد، اعمال کند.^۳ شایان ذکر است ممنوعیت قانون سیسادا در بخش بنزین، ارائه سوخت به هواپیماها را نیز شامل شد (CISADA, § 102 (f)(7)). این قانون تأثیرات زیادی بر صادرات بنزین به ایران حتی پیش از تبدیل به قانون داشت. به‌طور مثال چندین شرکت، تجارت خود را پس از تصویب این طرح در مجلس سنا و نمایندگان، یک شرکت پس از تصویب طرح در کمیته کنفرانس (حل اختلاف دو مجلس) و شرکت دیگر چند روز پس از امضای رئیس‌جمهور و تبدیل طرح به قانون متوقف کردند.^۴ از زمان تصویب سیسادا در ژوئیه ۲۰۱۰ دولت اوباما رویکردی مشابه نسبت به شرکت‌های خارجی فعال و در تجارت با بخش انرژی ایران در پیش گرفت. ویلیام پرنز معاون وزیر خارجه در بیانیه دسامبر ۲۰۱۰ ابراز داشت: «ما از ابزار قدرتمند فراهم شده از طریق سیسادا برای وادار کردن شرکت‌های بزرگ اروپایی و آسیایی از جمله شیل هلند، استات اوایل نروژ، انی ایتالیا، توتال فرانسه و اینپکس ژاپن برای خاتمه دادن یا انجام اقدام‌های اطمینان‌بخش در جهت متوقف کردن فعالیت‌های قابل تحریم در ایران و فراهم کردن تضمین‌های روشن از سوی آنها برای عدم مشارکت در هیچ فعالیت قابل تحریم در بخش انرژی ایران در

۱. اوباما در مناظرات انتخاباتی ۲۰۰۸ گفت: «ایران در حال حاضر بنزین وارد می‌کند... اگر ما بتوانیم مانع وارد کردن بنزین مورد نیازشان شویم ... موجب تغییر تحلیل سود و زیان آنها می‌شود. فشار بر روی آنها را شروع می‌کند»؛ رک:

Election Center 2008, "Transcript: Second McCain, Obama Debate", CNN Politics, 7 October 2008. <https://edition.cnn.com/2008/POLITICS/10/07/presidential.debate.transcript/>

2. Energy and Water Development and Related Agencies Appropriations Act 2010, § 313.

CISADA, §§ 102, 103(b), 104(c), 107, 202

۳. برخی از مقررات تحریمی این قانون از این قرارند:

4. U.S. Department of State, Companies Reducing Energy-related Business with Iran, 30 September 2010. <https://2009-2017.state.gov/r/pa/prs/ps/2010/09/148458.htm>

آینده استفاده کرده‌ایم. طبق ارزیابی‌ها، ایران ممکن است ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار در همه سرمایه‌گذاری‌های بخش انرژی، با فناوری‌های حساس و دانش فنی همراه با آنها را از دست دهد. مواجهه با انتخاب بین تجارت با ایران و تجارت با آمریکا، موجب خروج روزافزون شرکت‌های خارجی از بازار ایران شده است. شرکت‌های عرضه‌کننده سوخت و انرژی مانند لوک اوپل روسیه، ریلاینس هند، توپراش ترکیه و شرکت‌های چندملیتی ویتول، گلنکور و ترافیکورا فروش بنزین به ایران را متوقف کرده‌اند.^۱ در نتیجه این شکل جدید از جنگ حقوقی، تا اکتبر ۲۰۱۰ شرکت‌هایی که جز پنج شرکت عرضه‌کننده برتر بنزین به ایران بودند (ویتول، ترافیکورا، توتال، بریتیش پترولیوم و ریلاینس)، از عرضه بنزین به ایران خودداری کردند.^۲ مقدار بنزین وارد شده از سوی ایران در اوت ۲۰۱۰ هشتاد درصد کمتر از آنچه ایران در ماه‌های پیش از تصویب سیسادا وارد می‌کرد، بود و در ماه سپتامبر این کاهش بیشتر هم شد (Shamseddine, 2010). افزون بر این، شرکت‌هایی که به عرضه بنزین به ایران ادامه دادند، خواستار بیشترین امتیازها از ایران برای پذیرش ریسک مجازات‌های آمریکا بودند (Kittrie, 2010: 416). استفاده از جنگ حقوقی سبب شد آمریکا بتواند بدون جنگ نظامی و درگیری‌های سخت به اهداف اصلی خود در کاهش ورود بنزین به ایران موفق عمل کند (Kittrie, 2010: 411-416).

۳.۲.۴. ابتکارات جنگ حقوقی آمریکا علیه ایران

سپردن جنگ به وزارت خزانه‌داری به‌عنوان کنشگری برای پیشبرد اهداف در نوع خود ابتکاری مهم است. خزانه‌داری در این مسیر از تمام توانایی و ابزارهای خود بهره برد تا در حرکتی راهبردی به اهداف موردنظر امنیت ملی دست یابد. جنگ حقوقی مالی آمریکا در قبال ایران از مجموعه اقدام‌ها با استفاده از قدرت نفوذ آمریکا در سطح بین‌الملل صورت گرفته است. آمریکا تلاش کرده نه فقط دولت‌ها، بلکه شرکت‌های خصوصی غیرآمریکایی را با خود همراه کند. این در حالی است که ترغیب چنین شرکت‌هایی که آمریکا بر آنها صلاحیت ندارد، محل تأمل است (Jacobson, 2008: 71). آمریکا معتقد است نهادهای مالی بخش خصوصی - به دلیل محاسبه سود و زیان - در مقایسه با دولت‌ها، سریع و راحت‌تر اقدام‌های تحریمی را می‌پذیرند. برخلاف تحریم‌های اقتصادی سابق که بر تجارت فرامرزی در کالاها

1. Implementing Tougher Sanction on Iran: A Progress Report. Hearing, 1 December 2010, Serial No. 111-136. p. 14. <https://www.govinfo.gov/content/pkg/CHRG-111hhr62665/pdf/CHRG-111hhr62665.pdf>

2. U.S. Department of State, Companies Reducing Energy-related Business with Iran, 30 September 2010. <https://2009-2017.state.gov/r/pa/prs/ps/2010/09/148458.htm>

متمرکز بود، جنگ حقوقی خزانه‌داری، جریان‌های مالی جهانی را که فراتر از تجارت کالا و خدمات رفته‌اند و شامل کنش‌های متعدد می‌شود، متأثر می‌کند.^۱ جیمز ویلکینسون، رئیس کارکنان وزارت خزانه‌داری می‌گوید: «بزارهای مالی ما گاهی قدرتمندترین سلاح‌های دولت ما برای تغییر رفتار است» (Weisman, 2007). آمریکا در این رویکرد از یک نیروی کارآمد و قوی استفاده کرده است و آن استفاده از برتری دلار آمریکا در تبادلات مالی جهانی است. در تمام سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ بیش از ۸۰ درصد تبادلات مالی خارجی به وسیله دلار صورت گرفته بود (WTO, 2012: 9). دلار آمریکا ارز اصلی برای تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری، گردش‌های مالی خارجی بازار، وام و ذخایر بسیاری از بانک‌های مرکزی است (Kirchner, 2019). بسیاری از کنشگران بین‌المللی در عرصه تجارت و بازرگانی به دلار وابسته‌اند و آمریکا از آن به‌عنوان ابزار تحریمی علیه کشورهایی چون ایران استفاده کرده است.

دیگر ویژگی جنگ حقوقی مالی آمریکا علیه ایران که اهمیت فراوانی دارد، کسب اطلاعات در مورد تبادلات مالی جهانی است. فناوری و یکپارچگی جهانی موجب شده است پنهان ساختن استفاده از سیستم‌های مالی جهانی مشکل شود. دسترسی به اطلاعات مالی موجب می‌شود بسیاری از اطلاعات مفید به‌منظور تحقق اهداف مرتبط با امنیت ملی آمریکا به‌راحتی قابل رصد باشد. خزانه‌داری از این اطلاعات برای شناسایی و هدف قرار دادن کنشگران هدف و شبکه‌های آنان استفاده کرده است.^۲ ریچارد نفیو یکی از قسمت‌های مهم کمپین تحریمی ایالات متحده علیه ایران را افزون بر دیپلماسی و نظارت، جمع‌آوری اطلاعات می‌داند (Nephew, 2018: 109).

دیگر ویژگی این جنگ حقوقی ابهام و پیچیدگی است. یکی از جنبه‌های این ویژگی، سردرگمی در مورد هدف تحریم‌های ثانویه است که یکی از دلایل آن وجود مراجع قانونی متعدد است که گاهی همپوشانی یا تناقض دارند. همچنین الفاظی چون «کنترل» نسبت به نهادهایی که ادعا می‌شود با ایران مرتبط‌اند، آگاهانه مبهم گذارده شده تا تفسیرپذیر باشند (Thornton, 2012). این ویژگی موجب شد دولت‌ها، شرکت‌ها، بانک‌ها و نهادهای مالی ریسک کمتری را بپذیرند و به‌دلیل ضررهای احتمالی از تعامل با ایران دوری کنند. هدف اصلی آمریکا از جنگ حقوقی علیه ایران، قطع چرخه مالی بوده است که مصداق بارز آن را می‌توان در تحریم بانک مرکزی ایران در سپتامبر ۲۰۱۹ نظاره‌گر بود.^۳

1. U.S. Department of the Treasury, Remarks by Treasury Secretary Paulson on Targeted Financial Measures to Protect Our National Security, 14 June 2007, <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/hp457.aspx>
2. U.S. Department of the Treasury, Remarks by Treasury Secretary Paulson.
3. U.S. Department of the Treasury, "Treasury Sanctions Iran's Central Bank and National Development Fund", 20 September 2019, <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm780>

به‌عنوان آخرین ابتکار جنگ حقوقی، باید از تهدید و محکومیت بانک‌ها و نهادهای مالی سخن گفت. مقامات ارشد وزارت خزانه‌داری از ابتدای جنگ حقوقی خود علیه ایران از اقدام بی‌سابقه‌ای چون مذاکره مستقیم با بخش خصوصی مالی بین‌المللی بدون درگیر کردن دولت متبوع آن بخش، بهره برده است. طی این رویکرد که از سال ۲۰۰۶ و وزارت هنری پالسون بر خزانه‌داری شروع شد، در طول نه ماه اول موجب شد بیشتر نهادهای مالی برتر جهان به خزانه‌داری متعهد شوند که تجارت خود با ایران را متوقف کنند یا کاهش دهند یا به‌سادگی تبادلات خود با ایران را متوقف کردند یا کاهش دادند.^۱ تا پاییز ۲۰۰۸ استوارت لوی، معاون وزیر در امور تروریسم و اطلاعات مالی، بیش از هشتاد دیدار خارجی برای گفت‌وگو با بانک‌ها انجام داد. در نتیجه آن، هشتاد بانک روابط خود را با ایران محدود کردند (Wright, 2008). مقامات خزانه‌داری طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ با قدرت بیشتر جنگ حقوقی را ادامه دادند و بیش از ۱۴۵ نهاد مالی خارجی در بیش از ۶۰ کشور جهان را در زمینه سیاست‌های خود قانع کردند (US Government Accountability Office, 2013: 18). این افراد روابط مالی با ایران را نقض حقوق بین‌الملل و ضوابط مالی بین‌المللی القا می‌کردند. در این روش محدودیت‌های حاکمیتی دولت‌های دیگر وجود ندارد و اجبار شرکت‌ها و بانک‌ها به اتباع از سیاست‌های آمریکا زودتر به نتیجه می‌رسد. تاب‌آوری بانک‌ها کمتر از دولت‌های مستقل است. بر همین اساس بود که به عقیده مقامات خزانه‌داری، مذاکره با بخش خصوصی به‌طور مستقیم روشی زودبازده و کارآمد است. پالسون، در این زمینه اظهار می‌کند که بیشتر نهادهای مالی برتر جهان به طرز چشمگیری تجارت خود با ایران را کاهش داده یا آن را به‌طور کلی متوقف کرده‌اند.^۲

بانک‌ها و نهادهای مالی کارگزاران و مشتریانی دارند که حفظ اعتبار در برابر آنها برای این نهادها بسیار مهم است؛ جریمه و مجازات‌ها همگی خساراتی بزرگ برای آنها محسوب می‌شود. آمریکا از طریق این اقدام‌های تنبیهی سعی داشته است تبادلات مالی دولت ایران با بانک‌ها و نهادهای مالی را قطع کند. این ایجاد رعب سبب شد بسیاری از این نهادها روابط خود را با ایران قطع کنند یا به‌شدت کاهش دهند. برای نمونه، در ژوئن ۲۰۰۸ یک بانک هلندی به نام آی ان جی به جریمه ۶۱۹ میلیون دلاری به آمریکا و ایالت نیویورک به دلیل تبادلات مالی غیرقانونی با نهادهای ایرانی مجبور می‌شود.^۳ در دسامبر ۲۰۰۹ شرکت خدمات مالی و بانکداری کردیت سوییس با پرداخت ۵۳۶ میلیون دلار به آمریکا و نیویورک به

1. U.S. Department of the Treasury, Remarks by Treasury Secretary Paulson.

2. U.S. Department of the Treasury, Remarks by Treasury Secretary Paulson.

3. The US Department of Justice, ING Bank N.V. Agrees to Forfeit \$619 Million for Illegal Transactions with Cuban and Iranian Entities. 12 June 2012. <https://www.justice.gov/opa/pr/ing-bank-nv-agrees-forfeit-619-million-illegal-transactions-cuban-and-iranian-entities-0>

اتهام پنهان کردن مشارکت افراد تحریمی در تعداد زیادی حواله و همچنین معامله با وثیقه به و از طریق آمریکا محکوم شد.^۱ این نوع محکومیت‌ها به‌طور روزافزونی در جنگ حقوقی آمریکا علیه ایران مورد توجه بوده است.^۲ نکته آخر در خصوص موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل دفتر کنترل دارایی با بانک‌ها و نهادهای مالی است که به‌زعم اوفک مرتکب نقض تحریم شده‌اند. در این موافقت‌نامه‌ها که اغلب به شکل یکطرفه تحمیل می‌شود، درخواست‌هایی برای تضمین پایبندی و محدود ساختن طرف مقابل برای عدم تداوم انجام معامله با ایران وجود دارد.^۳ به‌طور کلی وقتی که فرد یا نهادی تحریم می‌شود، تلاش‌های او برای دسترسی به سیستم مالی نیز خود اقدامی غیرقانونی و قابل پیگیری محسوب می‌شود (Zarate, 2013: 9). معیار غیرقانونی بودن این اقدام‌ها، سیاست‌های یکجانبه آمریکا است که در بسیاری از موارد شفاف‌ترین تبادلات مالی را هم تحت شمول جنگ حقوقی مالی خود قرار می‌دهد.

۳.۲.۵. جنگ حقوقی از طریق پرونده سازی قضایی

اقدام‌های خزانه‌داری هماهنگ با وزارت دادگستری و همچنین دادستانی ایالات متحده صورت می‌گیرد. نهادهای قضایی در جنگ حقوقی با استفاده از دستاویزهای حقوقی و استفاده از قوانین ضدتروریستی به اقدام علیه افراد در جهت به محکمه کشاندن و زندانی کردن آنها و صدور احکام قضایی مالی زمینه اقدام‌های نهادهای اجرایی را فراهم می‌کنند (Kittrie, 2016: 28).

1. U.S. Department of the Treasury. U.S. Treasury Department Announces Joint \$536 Million Settlement with Credit Suisse AG. 16 December 2009. <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg452.aspx>

۲. در دسامبر ۲۰۱۲ بانک انگلیسی اچ اس بی سی، ۱/۲۵۶ میلیارد دلار را به‌عنوان جریمه پرداخت کرد و با پرداخت ۶۶۵ میلیون دلار برای مجازات مرتبط با نقض قوانین تحریمی از جمله تبادلات غیرقانونی با ایران موافقت کرد:

US Department of Justice, HSBC Holdings Plc. and HSBC Bank USA N.A. Admit to Anti-Money Laundering and Sanctions Violations, Forfeit \$1.256 Billion in Deferred Prosecution Agreement. 11 December 2012. <https://www.justice.gov/opa/pr/hsbc-holdings-plc-and-hsbc-bank-usa-na-admit-anti-money-laundering-and-sanctions-violations>

در آوریل ۲۰۱۹ نیز بانک استاندارد چارترد به اتهام نقض تحریم‌ها به پرداخت بیش از ۱ میلیارد دلار جریمه شد:

U.S. Department of Justice, "Standard Chartered Bank Admits to Illegally Processing Transactions in Violation of Iranian Sanctions and Agrees to Pay More Than \$1 Billion", 9 April 2019, <https://www.justice.gov/opa/pr/standard-chartered-bank-admits-illegally-processing-transactions-violation-iranian-sanctions>

۳. برای نمونه در این خصوص ر.ک:

Kelley Drye and Warren LLP, 'Recent OFAC Settlement Highlights Due Diligence Expectations When Selling to Intermediaries', 22 March 2021, <https://www.jdsupra.com/legalnews/recent-ofac-settlement-highlights-due-9744612/>

ایالات متحده آمریکا که از سال ۱۹۸۴ دولت ایران را به‌عنوان یکی از دولت‌های حامی تروریسم تعیین کرده است^۱، از این اتهام به‌عنوان پشتوانه‌ای برای اقدام‌های حقوقی و قضایی خود استفاده می‌کند.^۲ در این زمینه از سیاست‌هایی که در آمریکا با استفاده از جنگ حقوقی پیگیری می‌شود، استفاده از دادخواست‌های حقوقی علیه اتهامات ادعایی تروریستی نسبت به افراد و همچنین دولت‌هاست که آن را بخشی از پازل جنگ علیه تروریسم تلقی می‌کنند. این دادخواست‌ها توانسته است جلب توجه فراوانی را به‌همراه داشته باشد و موضوع ادعایی تروریسم را در میان آمریکاییان پررنگ کند. در همین خصوص، به موجب طرح دعوا علیه لیبی از سوی قربانیان بمب‌گذاری هواپیمای ۱۰۳ پان آمریکن بود که موجب شد لیبی در اوت ۲۰۰۳ مسئول بمب‌گذاری شناخته شود و ۲/۷ میلیارد دلار به‌عنوان غرامت به خانواده قربانیان بپردازد (Radia & Sauer, 2008).

آمریکا این نوع اقدام‌های قضایی را به‌مثابه روندهای حقیقت‌یاب نمایش می‌دهد و گروه‌هایی چون حزب‌الله را نیرویی تروریستی و ایران را تأمین‌کننده تروریسم جلوه می‌دهد. این اقدام‌ها مبنایی برای فشارهای شدید مالی علیه ایران شده است. یکی از مواردی که ایران از اهداف اصلی این دادرسی‌ها قرار گرفت، اتهام انتساب با واسطه حمله به مقر نیروهای آمریکایی در بیروت در سال ۱۹۸۳ بوده است (Phillips, 2009). در ماه مه ۲۰۰۳ در پرونده‌ای که توسط بستگان تعدادی از کشته‌شدگان حادثه بیروت طرح شد، قاضی دادگاه منطقه‌ای کلمبیا، رویس لمبرث رأی خود مبنی بر مسئولیت ایران در حمله به مقر تفنگداران را صادر کرد (Peterson v. IRI, 2003). در سال ۲۰۰۷ لمبرث دستوری برای پرداخت ۲/۶ میلیارد دلار به‌عنوان غرامت از سوی جمهوری اسلامی ایران برای خانواده قربانیان صادر کرد.^۳ در سال ۲۰۰۸ حکم لمبرث با درخواست وکیل کشته‌شدگان، مبنایی برای دادگاه جنوبی نیویورک برای مسدود کردن ۲ میلیارد دلار از اموال ایران موجود در حساب سیتی بنک در شهر نیویورک شد.^۴ طبق آخرین آمارها، در دادگاه‌های آمریکا علیه ایران احکامی به ارزش حداقل ۶۲ میلیارد دلار به اتهام حمایت از تروریسم صادر شده است (Keitner, 2019; Bidwell, 2021).

1. U.S. Department of State, State Sponsors of Terrorism, Bureau of Counterterrorism. <https://www.state.gov/state-sponsors-of-terrorism/>
۲. برای مطالعه در خصوص اقدام‌های حقوقی و نحوه انتساب عمل از سوی دادگاه‌های آمریکایی به ایران، رک: سادات میدانی، ۱۳۸۳.
3. "U.S. judge orders Iran pay \$2.6 billion for 1983 attack", Reuters, 8 September 2008, <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-judgment/u-s-judge-orders-iran-pay-2-6-billion-for-1983-attack-idUSN0824551020070908>
4. "U.S. froze \$2 billion held for Iran in Citibank: report", Reuters, 12 December 2009, <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-citigroup/u-s-froze-2-billion-held-for-iran-in-citibank-report-idUSTRE5BB0ID20091212>

همچنین مقامات آمریکایی فعال در حوزه عدم اشاعه با همراهی و کلا به دنبال استفاده از دادخواست‌های مدنی و تکنیک‌های حقوقی ایجادشده برای تحت فشار قرار دادن متهمان ادعایی این حوزه هستند. به طور مثال دعاوی حقوقی علیه تأمین‌کنندگان کالاهای با قابلیت دوگانه صنعت هسته‌ای ایران و متهم کردن آنها به معاونت در جرم (Grossman, 2009). در سایر حوزه‌ها نیز این دست احکام قضایی صادر می‌شود، مانند دعاوی علیه افرادی که متهم به تلاش برای انتقال پول‌های مسدودشده ایران در کشور کره جنوبی بودند و با اتهامات سنگین مواجه شدند (USA, Plaintiff v. Funds, 2020).^۱ آنچه باید در جنگ حقوقی آمریکا علیه ایران مورد توجه باشد، روابط شبکه‌ای ایالات متحده با کنشگران بین‌المللی است. بزرگ‌نمایی، ایجاد حساسیت، بین‌المللی کردن و همچنین امنیتی‌سازی موضوعات با همراهی هم‌پیمانان موجب دست برتر این دولت در جنگ حقوقی شده است. قدرت تبلیغاتی و رسانه‌ای نیز سبب شده است مسائل مورد توجه آمریکا به سرعت تیتیر یک خبری و مورد توجه همگان باشد.

جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدام‌های احتمالی دولت‌های خارجی و به‌طور خاص ایالات متحده آمریکا، با استفاده از سیاست دفاع حقوقی از خود (سادات میدانی، ۱۳۹۸)، می‌تواند به مواجهه با جنگ حقوقی بپردازد. این سیاست می‌بایست در قالب یک دکترین، مدون شود و نهادهای مختلف اجرایی، تقنینی و قضایی اقدام‌های لازم را برای خنثی ساختن آثار جنگ حقوقی در دستور کار داشته باشند. تصویب قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ در این زمینه ارزیابی می‌شود. هدف قانونگذار براساس ماده ۱ این قانون آن است که اشخاص حقیقی و حقوقی بتوانند از اقدام‌های دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی یا مقامات رسمی آن را نقض کرده‌اند، برای مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند. دادگاه بر این اساس موظف است به‌عنوان عمل متقابل به دعاوی مذکور رسیدگی و طبق قانون حکم مقتضی را صادر کند (برزگر و رحمانی، ۱۳۹۴: ۵۴).

۴. نتیجه‌گیری

دولتی که به جنگ حقوقی متوسل می‌شود، به دنبال بهره‌گیری از خلأهای حقوق بین‌الملل است، زیرا حقوق بین‌الملل هنوز سازوکارهایی برای مقابله با جنگ حقوقی در نظر نگرفته است. در جنگ حقوقی

1. U.S. Department of Justice, Justice Department Seeks Forfeiture of More than \$20 Million in Assets Relating to Unlawful Use of U.S. Financial System to Evade and Violate Iranian Sanctions, 3 June 2020, <https://www.justice.gov/opa/pr/justice-department-seeks-forfeiture-more-20-million-assets-relating-unlawful-use-us-financial>

قانون قابل اعمال مشخص نیست تا با جنگ حقوقی و آثار آن مقابله شود و این ظرفیتی را به کنشگر جنگ حقوقی می‌دهد تا اهداف خصمانه خود علیه طرف مقابل را پیگیر باشد، بدون آنکه در دسرهای یک مخاصمه مسلحانه را متحمل شود. جنگ حقوقی بازی همراه با سوءنیت با قواعد حقوق بین‌الملل است؛ به این معنا که از نظر حقوقی نقض آشکاری دیده نمی‌شود، اما می‌تواند آثاری حتی زیانبارتر از جنگ نظامی به دنبال داشته باشد و به افراد غیرنظامی مورد حمایت قواعد حقوق بشر و بشردوستانه آسیب بزند. این وضعیت در دولت‌های تحت تحریم مانند ایران قابل مشاهده است و این مهم‌ترین شاخص برای تشخیص جنگ حقوقی آمریکا علیه ایران است.

ایالات متحده با توجه به دلایلی مانند بازدارندگی نظامی ایران، همکاری دولت‌های متحده آمریکا در تقابل غیرنظامی با ایران، ترس دولت‌ها و شرکت‌ها از سیاست‌های تنبیهی آمریکا، دست برتر آمریکا در کنش‌های مالی جهانی و روزآمدی جنگ حقوقی، به این نتیجه رسیده که سیاست جنگ حقوقی علیه ایران گزینه‌ای کارآمد است. آمریکا در این مسیر راهبردهایی چون اقدام‌های ایالتی و محلی، فشار بر شرکت‌های تأمین‌کننده انرژی و راهبردهای قضایی را در دستور کار داشته است. آمریکا مجموعه‌ای از فشارها را از طریق شورای امنیت، گروه ویژه اقدام مالی و اقدام‌های یکجانبه چون تحریم را اعمال کرده است. ابتکارات دولت آمریکا در بهره‌مندی از جنگ حقوقی دسترسی مستقیم به نهادهای مالی خصوصی خارجی، استفاده سلطه‌گونه از نفوذ مالی برای دستیابی به اهداف سیاسی، بهره‌برداری از اطلاعات مرتبط با تبادلات مالی، ابهام و پیچیدگی جنگ حقوقی مالی بوده است که توانست آثار مخرب فراوانی بر اقتصاد ایران داشته باشد. آمریکا جنگ خود را به وزارت خزانه‌داری سپرد تا اهداف موردنظر در یک مخاصمه از جمله نابودی زیرساخت‌ها، دسترسی نداشتن به منابع مالی یا کاهش شدید آن، تحت فشار قرار گرفتن مردم و افزایش نارضایتی داخلی را از طریق جنگ حقوقی حاصل کند. نکته شایان توجه آن است که مواجهه و تقابل با جنگ حقوقی از سوی دولت قربانی باید به شکل حقوقی باشد و سیاست دفاع حقوقی از خود که می‌تواند در بردارنده دامنه وسیعی از کنش‌های حقوقی به جنگ حقوقی باشد، باید محور اقدام‌ها قرار گیرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. جویئر، دانیل (۱۳۹۶)، برنامه هسته‌ای ایران و حقوق بین‌الملل از تقابل تا توافق، ترجمه سید حسین سادات میدانی، یاسر سالاریان و مهدی خلیلی طریقه، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲. سادات میدانی، سید حسین؛ خلیلی طریقه، مهدی (۱۳۹۷)، *بایسته‌های حقوقی نظام تحریم‌های ایران*، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۳. برزگر، عبدالرضا؛ رحمانی، تهمینه (۱۳۹۴)، «رسیدگی به دعاوی ناشی از قراردادهای تدارکات عمومی در دوران تحریم براساس قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۷۲، ص ۶۴-۲۵.

۴. زمانی، سید قاسم؛ سادات میدانی، سید حسین (۱۳۸۵)، «عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران: از ارجاع تا تحریم»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، دوره ۵، ش ۱۰، ص ۵۴-۱۵.

۵. سادات میدانی، سید حسین (۱۳۸۲)، «مشروعیت توسل به زور علیه عراق از دیدگاه قطعنامه‌های شورای امنیت»، *مجله سیاست دفاعی*، دوره ۱۱، ش ۴۳، ص ۲۰-۱.

۶. ----- (۱۳۸۳)، «ارزیابی عملکرد محاکم داخلی آمریکا در انتساب اعمال گروه‌های لبنانی و فلسطینی به جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش حقوقی*، ش ۴، ص ۱۷-۱۳.

۷. ----- (۱۳۸۵)، «شورای امنیت و پرونده هسته‌ای ایران: تقابل حاکمیت حقوق بین‌الملل با صلح بین‌المللی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیستم، ش ۱، ص ۳۱-۱.

۸. ----- (۱۳۹۵)، «اختلاف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۴، ص ۲۵۶-۲۱۹.

۹. فضائی، مصطفی؛ کوثری، وحید (۱۴۰۰)، «نظریه جنگ حقوقی و آینده حقوق بین‌الملل: حقوق ابزار صلح یا جنگ؟»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۴، ش ۹۳، ص ۲۱۴-۱۹۳.

۱۰. کرم‌زاده، سیامک؛ عابدینی، عبدالله (۱۳۹۸)، «حاشیه صلاح‌دیدگی در اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت: بررسی موردی ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، ش ۳، ص ۸۵۷-۸۳۷.

ج) سایر

۱۱. سادات میدانی، سید حسین (۱۳۹۸)، *جزوه درس سمینار مسائل روز، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه*.

۱۲. قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، مجلس شورای اسلامی، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱.

۲. انگلیسی

A) Books

1. ElBaradei, Mohammad (2011), *The Age of Deception: Nuclear Diplomacy in Treacherous Times*, New York, Metropolitan Books, Henry Holt & Company.
2. Hufbauer, Gary Clyde & Schott, Jeffrey J. & Elliott, Kimberly Ann & Oegg, Barbara (2007), *Economic Sanctions Reconsidered*, Washington DC: Peterson Institute for International Economics.
3. Kittrie, Orde F. (2016), *Lawfare: Law as a Weapon of War*, New York, Oxford University Press.
4. Nephew, Richard (2018), *The Art of Sanctions: A View from the Field*, New York, Columbia University Press.
5. Sands, Philippe, (2005), *Lawless World: America and the Making and Breaking of Global Rules*, New York, Viking Adult.
6. Simma, Bruno; Khan, Daniel-Erasmus; Nolte, Georg; Paulus, Andreas & Wessendorf, Nikolai (2012), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, Vol. I, (3rd Edition), Oxford, Oxford University Press.
7. Tamanaha, Brian Z. (2006), *Law as a Means to an End: Threat to the Rule of Law*, New York: Cambridge University Press.
8. Zarate, Juan C. (2013), *Treasury's War: The Unleashing of a New Era of Financial Warfare*, New York, Public Affairs.

B) Articles

9. Bechky, Perry S. (2010), "The Politics of Divestment", *The Politics of International Economic Law*, Seattle University School of Law Research Paper No. 10-27, pp. 1-28.
10. Dunlap, Jr., Charles J. (2001), "Law and Military Interventions: Preserving Humanitarian Values in 21st Century Conflicts", *Humanitarian Challenges in Military Intervention Conference*, Harvard University, pp. 1-27.
11. Dunlap, Jr., Charles J. (2008), "Lawfare Today: A Perspective", *Yale Journal of International Affairs*, pp. 146-154.
12. Dunlap, Jr., Charles J. (2010), "Does Lawfare Need an Apologia?", *Case Western Reserve Journal of International Law*. Vol. 43, Issue. 1, pp. 121-143.
13. Goldenziel, Jill I. (2020), "Law as a Battlefield: The U.S., China, and Global Escalation of Lawfare", *Cornell Law Review*, Vol. 106, pp. 101-189.
14. Jacobson, Michael (2008), "Sanctions against Iran: A Promising Struggle", *The Washington Quarterly*, pp.69-88.
15. Kittrie, Orde F. (2007A), "Averting Catastrophe: Why the Nuclear Nonproliferation Treaty is Losing its Deterrence Capacity and How to Restore it", *Michigan Journal of International Law*, Vol. 28, Issue. 2, pp. 337-430.
16. Kittrie, Orde F. (2007B), "Emboldened by Impunity: The History and Consequences of Failure to Enforce Iranian Violations of International Law", *Syracuse Law Review*, Vol. 57, p. 519-549
17. Kittrie, Orde F. (2010), "Lawfare and U.S. National Security", *Case Western Reserve*

- Journal of International Law*, Vol. 43. Issue. 1, pp. 393-421.
18. Leverett, Flynt & Leverett, Hillary (2014), "American Hegemony (and Hubris), the Iranian Nuclear Issue, and the Future of Sino-Iranian Relations", *The Emerging Middle East-East Asia Nexus, Penn State Law Research Paper No. 39*, pp. 1-26.
 19. Novosad, Paul and Werker, Eric (2019), "Who Runs the International System? Nationality and Leadership in the UN Secretariat", *The Review of International Organizations*, 14, pp. 1-33.
 20. Scharf, Michael P. & Andersen, Elizabeth (2010), "Is Lawfare Worth Defining - Report of the Cleveland Experts Meeting – September 11, 2010", *Case Western Reserve Journal of International Law*. vol. 43, Issue 1. pp. 11-27.
 21. Scharf, Michael P. & Pagano, Shannon (2010), "Foreward: Lawfare!", *Case Western Reserve Journal of International Law*, Vol. 43, Issue. 1, pp. 1-10.
 22. Stroup, Sarah S. (2019), "NGOs' interactions with states", In: Davies, Thomas, *Routledge Handbook of NGOs and International Relations*, Routledge, pp. 32-45.
 23. Tamanaha, Brian Z. (2007), "How an Instrumental View of Law Corrodes the Rule of Law", *DePaul Law Review*. Vol. 56. Issue. 2. pp. 1-52.
 24. Tortajada, Cecilia (2016), "Nongovernmental Organizations and Influence on Global Public Policy", *Asia & the Pacific Policy Studies*, Vol. 3, No. 2, pp. 266-274.
 25. Wiarda, Howard J. (2015), "Think Tanks and Foreign Policy in a Globalized World: New Ideas, New "Tanks," New Directions", *International Journal*, Vol. 70, No. 4, pp. 517-525.
 26. WTO, Economic Research & Statistics Division (2012), "Use of Currencies in International Trade: Any Changes in the Picture?", *Staff Working Paper ERSD*, pp. 1-21.

C) Online Articles

27. Bidwell, Christopher A., "US courts say Iran owes terrorism victims billions. That's an obstacle to a new Iran nuclear deal.", Bulletin of the Atomic Scientists, 3 August 2021, <https://thebulletin.org/2021/08/us-courts-say-iran-owes-terrorism-victims-billions-thats-an-obstacle-to-a-new-iran-nuclear-deal>
28. Center for Security Policy, "DivestTerror.org launched with stunning report on public pension fund investments in terrorist-sponsoring nations", 12 August 2004, <https://www.centerforsecuritypolicy.org/2004/08/12/divestterror-org-launched-with-stunning-report-on-public-pension-fund-investments-in-terrorist-sponsoring-nations-2/>
29. Drye, Kelley and LLP, Warren 'Recent OFAC Settlement Highlights Due Diligence Expectations When Selling to Intermediaries', 22 March 2021, <https://www.jdsupra.com/legalnews/recent-ofac-settlement-highlights-due-9744612/>
30. Grossman, Elaine M., "Proliferation Watchdogs Eye Litigation to Combat Illicit Trafficking", Nuclear Threat Initiative. 30 October 2009. <https://www.nti.org/gsn/article/proliferation-watchdogs-eye-litigation-to-combat-illicit-trafficking/>
31. Hirsh, Michael, "Obama Prepares to Get Tough on Iran", Newsweek, 12 December 2009, <https://www.newsweek.com/obama-prepares-get-tough-iran-75581>
32. Ignatius, David, "Buying Time with Iran", *Real Clear Politics*, 9 January 2011,

- http://www.realclearpolitics.com/articles/2011/01/09/buying_time_with_iran_108479.html
33. Keitner, Chimene, "World Court Ruels on Iran Challenge to US Suits for Acts of Terrorism: An Explainer", Just Security, 19 February 2019, <https://www.justsecurity.org/62604/unpacking-icj-judgment-certain-iranian-assets>
34. Kittrie, Orde F., "How to Put the Squeeze on Iran", The Wall Street Journal, 13 November 2008, <https://www.wsj.com/articles/SB122654026060023113>
35. Kirchner, Stephen, "The 'Reserve Currency' Myth: The Us Dollar's Current and Future Role in the World Economy", United States Studies Center. 11 November 2019. <https://www.ussc.edu.au/analysis/the-reserve-currency-myth-the-us-dollars-current-and-future-role-in-the-world-economy>
36. Phillips, James, "The 1983 Marine Barracks Bombing: Connecting the Dots", The Heritage Foundation, 23 October 2009. <https://www.heritage.org/defense/commentary/the-1983-marine-barracks-bombing-connecting-the-dots>
37. Radia, Kirit and Sauer, Maddy, "Pan Am 103 Families Finally Compensated", abc News. 1 November 2008. <https://abcnews.go.com/Blotter/story?id=6158491&page=1>
38. Sanger, David E., "U.S. Weighs Iran Sanctions if Talks Are Rejected", The New York Times, 2 August 2009, <https://www.nytimes.com/2009/08/03/world/middleeast/03nuke.html>
39. Shamseddine, Reem and Pachymuthu, Luke, "Iran fuel imports dive in Sept on sanctions-trade", Reuters, 24 September 2010, <https://af.reuters.com/article/energyOilNews/idAFLDE68N0ZF20100924>
40. Thornton, Sean M., "Iran, Non-U.S. Banks and Secondary Sanctions: Understanding the Trends", Skadden, 24 October 2012, <https://www.skadden.com/insights/publications/2012/10/iran-nonus-banks-and-secondary-sanctions-understan>
41. Weisman, Steven R., "The Ripples of Punishing One Bank", The New York Times, 3 July 2007, <https://www.nytimes.com/2007/07/03/business/worldbusiness/03bank.html>
42. Wright, Robin, "Stuart Levey's War", The New York Times Magazine, 31 October 2008, <https://www.nytimes.com/2008/11/02/magazine/02IRAN-t.html>

D) Documents

43. California Public Employee' Retirement System, Assembly Bill: 221, Chapter 671, 14 October 2007. http://www.leginfo.ca.gov/pub/07-08/bill/asm/ab_0201-0250/ab_221_bill_20071014_chaptered.html
44. California Public Contract, Assembly Bill No: 1650, Chapter 573, 30 September 2010. http://leginfo.legislature.ca.gov/faces/billTextClient.xhtml?bill_id=200920100AB1650
45. California Insurance, Assembly Bill No: 2160, Chapter 479, 23 September 2012. http://leginfo.legislature.ca.gov/faces/billTextClient.xhtml?bill_id=201120120AB2160
46. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability and Divestment Act of 2010 (CISADA), Pub. L. No. 111-195, 124 Stat. 1313.
47. Energy and Water Development and Related Agencies Appropriations Act 2010, Pub. L. No: 111.

48. FATF Guidance: The Implementation of Financial Provisions of United Nations Security Council Resolutions to Counter the Proliferation of Weapons of Mass Destruction. June 2013.
49. FATF Public Statement, 27 February 2015.
50. FATF Statement on Iran, 11 October 2007.
51. FATF Statement, 16 October 2008.
52. FATF, High-Risk Jurisdictions Subject to a Call for Action, 21 February 2019.
53. Hook, Brian, Balancing Interests and Values, Note for the Secretary, Washington, D.C. 20520, 17 May 2017, <https://www.politico.com/f/?id=00000160-6c37-da3c-a371-ec3f13380001>
54. Implementing Tougher Sanction on Iran: A Progress Report. Hearing, 1 December 2010, Serial No. 111–136. p. 14. <https://www.govinfo.gov/content/pkg/CHRG-111hhr62665/pdf/CHRG-111hhr62665.pdf>
55. Law on the Jurisdiction of the Judiciary of the Islamic Republic of Iran for the Proceedings of Civil Cases against Foreign Governments, Islamic Parliament of Iran, 8 May 2012. (in Persian)
56. Peterson v. Islamic Republic of Iran, 264 F. Supp. 2d 46 (D.D.C. 2003).
57. Sudan Accountability and Divestment Act of 2007, Public Law 110-174.
58. US Government Accountability Office, "U.S. and International Sanctions Have Adversely Affected the Iranian Economy", Report to the Chairman, Committee on Homeland Security and Governmental Affairs, U.S. Senate. (February 2013).
59. UNSCR 1737, 27 December 2006, S/RES/1737.
60. UNSCR 1803, 3 March 2008, S/RES/1803.
61. UNSCR1929, 9 June 2010, S/RES/1929.
62. USA, Plaintiff v. Funds in the amount of 73,293,750 AED (approximately \$20 million) in the Possession and Control of Ras al Khaimah Investment Authority (RAKIA) and All Claims Filed and Asserted by VI2 Partners GmbH against) Ras al Khaimah Investment Authority Georgia LLC in case no. 2b/4319-17 pending before the Tbilisi Court of Appeals, Republic of Georgia and Proceeds thereof, US District Court for the District of Alaska, Civil No. 3:20-cv-00126-JMK, 3 June 2020.

E) Websites

63. Election Center 2008, "Transcript: Second McCain, Obama Debate", CNN Politics, 7 October 2008, <https://edition.cnn.com/2008/POLITICS/10/07/presidential.debate.transcript/>
64. The US Department of Justice, ING Bank N.V. Agrees to Forfeit \$619 Million for Illegal Transactions with Cuban and Iranian Entities. 12 June 2012. <https://www.justice.gov/opa/pr/ing-bank-nv-agrees-forfeit-619-million-illegal-transactions-cuban-and-iranian-entities-0>
65. US Department of Justice, HSBC Holdings Plc. and HSBC Bank USA N.A. Admit to Anti-Money Laundering and Sanctions Violations, Forfeit \$1.256 Billion in Deferred Prosecution Agreement. 11 December 2012. <https://www.justice.gov/opa/pr/hsbc-holdings-plc-and-hsbc-bank-usa-na-admit-anti-money-laundering-and-sanctions-violations>

66. U.S. Department of Justice, Justice Department Seeks Forfeiture of More than \$20 Million in Assets Relating to Unlawful Use of U.S. Financial System to Evade and Violate Iranian Sanctions, 3 June 2020, <https://www.justice.gov/opa/pr/justice-department-seeks-forfeiture-more-20-million-assets-relating-unlawful-use-us-financial>
67. U.S. Department of Justice, "Standard Chartered Bank Admits to Illegally Processing Transactions in Violation of Iranian Sanctions and Agrees to Pay More Than \$1 Billion", 9 April 2019, <https://www.justice.gov/opa/pr/standard-chartered-bank-admits-illegally-processing-transactions-violation-iranian-sanctions>
68. U.S. Department of State, Companies Reducing Energy-related Business with Iran, 30 September 2010. <https://2009-2017.state.gov/r/pa/prs/ps/2010/09/148458.htm>
69. U.S. Department of State, State Sponsors of Terrorism, Bureau of Counterterrorism. <https://www.state.gov/state-sponsors-of-terrorism/>
70. U.S. Department of the Treasury, Remarks by Treasury Secretary Paulson on Targeted Financial Measures to Protect Our National Security, 14 June 2007, <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/hp457.aspx>
71. U.S. Department of the Treasury, "Treasury Revokes Iran's U-Turn License", 6 November 2008, <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/hp1257.aspx>
72. U.S. Department of the Treasury, "Treasury Sanctions Iran's Central Bank and National Development Fund", 20 September 2019, <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm780>
73. U.S. Department of the Treasury, Under Secretary Levey Remarks at the Center for Strategic and International Studies. 20 September 2010. <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg862.aspx>
74. U.S. Department of the Treasury, U.S. Treasury Department Announces Joint \$536 Million Settlement with Credit Suisse AG. 16 December 2009. <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg452.aspx>
75. "U.S. froze \$2 billion held for Iran in Citibank: report", Reuters, 12 December 2009, <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-citigroup/u-s-froze-2-billion-held-for-iran-in-citibank-report-idUSTRE5BB0ID20091212>
76. "U.S. judge orders Iran pay \$2.6 billion for 1983 attack", Reuters, 8 September 2008, <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-judgment/u-s-judge-orders-iran-pay-2-6-billion-for-1983-attack-idUSN0824551020070908>
77. <https://www.investopedia.com/articles/personal-finance/010715/worlds-top-10-law-firms.asp>
78. <https://iranstatesanctions.org/>
79. <https://www.vault.com/best-companies-to-work-for/law/top-100-law-firms-rankings>
80. <https://watson.brown.edu/research/projects/iransanctions>